

بهای پنهان جهش چین

خاطرات شیائو‌های، کارگر مهاجر چینی، روایتی تکان‌دهنده از بهای انسانی جهش اقتصادی چین است؛ جهانی از شیفت‌های ۱۵ ساعته، جریمه‌های بی‌پایان، جراحات کاری و فرسایش کرامتی که زیر چرخ‌های توسعه گم می‌شود



متولد شد که برای دور زدن سیاست تک‌فرزندی ناچار بود سال‌های نخست زندگی خود را پنهان کند. فشارهای اقتصادی خانواده نیز باعث شد تحصیل را در پانزده‌سالگی رها کرده ووارد بازار کار شود. نخستین مقصد او شنژن بود؛ شهری که بعدها به نماد صنعتی‌شدن و نوآوری چین تبدیل شد. ورود به این شهر برای بسیاری از مهاجران روستایی نوید زندگی بهتر بود، اما واقعیت بسیار متفاوت از رؤیاها جلوه می‌کرد. شیائو در نخستین شغل خود در خط مونتاژ یک کارخانه بزرگ مشغول شد؛ روزانه پانزده ساعت کار می‌کرد و تنها یک روز در ماه استراحت داشت. دستمزد ناچیز او تناسبی با حجم کار و فرسودگی جسمی‌اش نداشت. در یکی از شیفت‌های شب، خستگی مفرط موجب شد لحظه‌ای چشمانش بسته شود. نتیجه این چند ثانیه، بریدگی عمیق انگشت دستش بود. با وجود شدت جراحت، از او خواسته شد کار را تا پایان شیفت ادامه دهد. نبوددسترسی مناسب به خدمات درمانی سبب شد درمان زخم به شیوه‌ای ابتدایی و توسط همکاران انجام شود. این تجربه تنها یکی از صدها حادثه‌ای بود که در کارخانه‌های پرشتاب جنوب چین رخ می‌داد.

رنج در خطوط تولید

داستان شیائو با تغییر محل کار پایان نمی‌یابد. او در جست‌وجوی درآمد بهتر، میان کارخانه‌های مختلف سرگردان می‌شود، اما تقریباً در همه جا با الگوهای

مشابهی از استثمار مواجه است. در کارخانه چاپ، تماس مداوم با مواد شیمیایی خطرناک سلامت کارگران را تهدید می‌کند. یکی از همکارانش بر اثر همین مواد دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیر جسمی می‌شود. در محیط‌های دیگر، استفاده مشترک از تجهیزات و امکانات حداقلی، بیماری‌های گوناگون را میان کارگران گسترش می‌دهد.

نظام جریمه نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره آنان است. هر خطا، هر تأخیر یا حتی تشخیص سلیقه‌ای سرپرستان می‌تواند بخشی از دستمزد ناچیز کارگران را از بین ببرد. در صنعت پوشاک شرایط حتی دشوارتر است. ساعت‌های طولانی کار پشت چرخ‌های خیاطی موجب آسیب‌های اسکلتی و نخاعی می‌شود و حوادث کاری نیز پدیده‌ای عادی تلقی می‌گردد.

شیائو از حادثه‌ای یاد می‌کند که طی آن دست برادرش چندین بار توسط دستگاه صنعتی سوراخ شد و سوزن در استخوانش شکست. با این حال پس از درمانی کوتاه، او ناچار شد به همان محیط کار بازگردد. در چنین فضایی، بدن کارگر به ابزاری مصرف‌شدنی تبدیل می‌شود؛ ابزاری که تا زمان کارایی ارزش دارد و پس از آن به‌سادگی جایگزین می‌شود.

فرسایش انسان مدرن

با گسترش اقتصاد دیجیتال، بسیاری تصور می‌کردند شرایط کاری بهبود خواهد یافت. شیائو نیز با همین امید

کارخانه را ترک کرد و وارد بخش تحویل کالا در شانگهای شد. اما تجربه جدید نشان داد فناوری الزاماً به معنای کاهش فشار بر نیروی کار نیست. او هر روز بیش از صد بسته را در سطح شهر جابه‌جا می‌کرد و برای تحویل به‌موقع سفارش‌ها از ده‌ها راه‌پله بالا می‌رفت. سرعت تحویل، معیار اصلی ارزیابی بود و کوچک‌ترین اشتباه می‌توانست جریمه‌های سنگینی به همراه داشته باشد. شکایت مشتریان نیز عملاً آینده شغلی کارگران را تهدید می‌کرد. شیائو بعدها اعتراف می‌کند که کار در اقتصاد پلتفرمی از بسیاری مشاغل کارخانه‌ای نیز فرساینده‌تر بوده است. فشار دائمی برای افزایش بهره‌وری، نبود امنیت شغلی و فقدان حمایت‌های بیمه‌ای، کارگران را در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. در یکی از مأموریت‌ها، او هنگام عجله برای تحویل سفارش با خودرو تصادف می‌کند و ناچار می‌شود هزینه حادثه را شخصاً بپردازد.

در این میان تنها پناهگاه او شعر بود؛ روزنه‌ای کوچک برای حفظ فردیت در برابر نظم آهنین تولید. اما هنگامی که در یکی از شرکت‌های بزرگ فناوری مشغول به کار شد، حتی فرصت نوشتن نیز از او گرفته شد. او وضعیت خود و همکارانش را چنین توصیف می‌کند: کارگران چنان با ماشین‌ها درآمیخته‌اند که با روشن شدن دستگاه‌ها، گویی خود آنان نیز روشن می‌شوند.

حقیقت پشت معجزه

روایت شیائو صرفاً داستان چین نیست. تاریخ صنعتی‌شدن در بسیاری از کشورها الگوهای مشابهی را تجربه کرده است. بریتانیا در قرن نوزدهم نیز هنگام جهش اقتصادی خود، شاهد کار کودکان، ساعات طاقت‌فرسای کار و آسیب‌های گسترده جسمی در کارخانه‌ها بود. آنچه امروز در خاطرات کارگران چینی دیده می‌شود، یادآور همان واقعیت‌هایی است که زمانی

زیر پوست انقلاب صنعتی اروپا جریان داشت. این شباهت‌ها نشان می‌دهد که فراتر از تفاوت‌های فرهنگی، صنعتی‌شدن اغلب با اشکال مشابهی از فشار بر نیروی کار همراه بوده است. دستاوردهای اقتصادی بزرگ معمولاً تنها در آمارهای رشد، صادرات و سرمایه‌گذاری خلاصه نمی‌شوند؛ بلکه هزینه‌هایی انسانی نیز دارند که کمتر در روایت‌های رسمی دیده می‌شوند.

شیائو‌های با وجود همه رنج‌ها، همچنان به سهم خود در ساختن چین جدید افتخار می‌کند. اما مهم‌ترین پیام خاطرات او در جمله‌ای ساده خلاصه می‌شود: آرزوی زندگی با کرامت. این خواسته شاید بدیهی به نظر برسد، اما برای میلیون‌ها کارگری که ستون‌های توسعه را بنا کرده‌اند، همچنان مطالبه‌ای تحقق‌نیافته است. معجزه اقتصادی چین بدون تردید واقعیتی تاریخی است، اما فهم کامل آن تنها زمانی ممکن خواهد بود که در کنار آسمان خراش‌ها و کارخانه‌های مدرن، صدای کارگرانی نیز شنیده شود که این معجزه را ممکن ساخته‌اند.

منبع: jacobinmag.com

جهان

۱۳

A T I Y E N O

ت ک ت

گرمای شدید و فرسایش کار اروپا

گرمای شدید دیگر فقط یک پدیده فصلی آزاردهنده نیست، بلکه موج آن اکنون به یک ریسک شغلی فراگیر و به‌سرعت روبه‌گسترش در اقتصاد اروپا بدل شده است. داده‌های آژانس اروپایی ایمنی و سلامت در کار نشان می‌دهد از هر پنج کارگر در اتحادیه اروپا، یک‌نفر در محل کار با دماهای بالا مواجه است؛ نشانه‌ای روشن از اینکه تغییرات اقلیمی، از مرز محیط زیست عبور کرده و مستقیماً به قلب بازار کار و بهره‌وری اقتصادی رسیده است. در این میان، دو بخش بیش از همه در خط مقدم ایستاده‌اند: کشاورزی و ساختمان‌سازی؛ دو حوزه‌ای که هم اتکای بالایی به کار فیزیکی دارند و هم بخش بزرگی از فعالیتشان در فضای باز و زیر آفتاب انجام می‌شود.

در کشاورزی، کارگران ساعات‌های طولانی زیر تابش مستقیم خورشید کار می‌کنند، بار بدنی بالایی را تحمل می‌کنند و اغلب امکان جابه‌جایی زمان کار یا استراحت کافی ندارند. در ساختمان‌سازی نیز وضعیت تفاوت چندانی ندارد؛ جز آنکه لباس‌ها و تجهیزات ایمنی، توان طبیعی بدن برای دفع گرما را بیشتر محدود می‌کند.

بر پایه نظرسنجی «شرایط کار در اروپا ۲۰۲۴» یوروفوند، ۶۸ درصد کارگران کشاورزی و ۵۲ درصد کارگران ساختمانی دست کم یک چهارم زمان کاری خود را در معرض دمای بالای می‌گذرانند. اگر از منظر شغلی نگاه کنیم، کارگران ماهر کشاورزی با ۷۲ درصد، بیشترین سطح مواجهه را دارند؛ پس از آنان کارگران ماهر فنی، اپراتورهای ماشین‌آلات و مشاغل ساده قرار می‌گیرند. این الگو نشان می‌دهد که گرما، پیش از آنکه یک مسئله بخشی باشد، یک مسئله عمیقاً طبقاتی و شغلی است.

اهمیت موضوع اما فقط به سلامت کارگران محدود نمی‌شود. گرمای شدید مستقیماً با افت تمرکز، افزایش خطای انسانی، بالا رفتن احتمال حادثه، کم‌آبی، گرم‌زدگی و تشدید بیماری‌های قلبی و تنفسی پیوند دارد. از همین جا، زنجیره‌ای از آسیب‌های اقتصادی آغاز می‌شود. گزارش تازه «الیان ترید» هشدار می‌دهد که از حوالی ۳۰ درصد سنانه‌ای گراد به بالا، افت بهره‌وری شتاب می‌گیرد و از یک اختلال مقطعی به یک مانع ساختاری برای رشد تبدیل می‌شود. در کشاورزی، این یعنی کاهش برداشت، تهدید امنیت غذایی و فشار بر قیمت‌ها. در ساختمان‌سازی، یعنی کند شدن پروژه‌ها، توقف کار در ساعات اوج گرما و افزایش هزینه تحویل. در حمل‌ونقل و تولید صنعتی نیز گرما به شکل نرم شدن آسفالت، تاب‌خوردگی ریل، افزایش هزینه‌های خنک‌سازی و افت بازده نیروی کار خود را نشان می‌دهد. حتی انرژی، که باید پاسخگوی نیاز بیشتر به سرمایش باشد، خود از گرم شدن رودخانه‌ها و افت ظرفیت خنک‌کنندگی نیروگاه‌ها آسیب می‌بیند.

از این رو، مسئله گرما برای اروپا فقط یک دغدغه انسانی یا بهداشتی نیست؛ یک آزمون اقتصادی و حکمرانی نیز هست. کشاورزی شاید در مقیاس اتحادیه اروپا تنها حدود ۱.۲ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل دهد، اما برای کشورهایی چون یونان و رومانی سهمی بسیار مهم‌تر دارد و اثر آن بر زنجیره غذا فراتر از وزن آماری‌اش است. در مقابل، ساختمان‌سازی با حدود ۹ درصد تولید ناخالص داخلی اتحادیه و اشتغال نزدیک به ۱۸ میلیون نفر، یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد اروپاست. اگر این ستون‌ها زیر فشار گرما فرسوده شوند، اثر آن به سراسر اقتصاد سرایت خواهد کرد.